###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**تصويرگري براي كودكان و ضرورت های آفرينش تصوير در کتب درسی کودکان**

فهرست مطالب

# **مقدمه**

**دراين سوي مصور كردن**

**ضرورتهاي آفرينش تازه از تصوير و خيال**

**انديشه هايي دربارة تصويرگري كتابهاي كودكان**

**نگاهي به رنگ آميزي و چهره پردازي در تصويرگري كتابهاي درسي**

**تصويرگران شعر كودك**

**پاي صحبت محمد علي بني اسدي**

**پاي صحبت مهنوش مشيري**

**پاي صحبت اكبر نيكان پور**

**پاي صحبت چند تن از تصويرگران كتاب كودك**

**مراجع**

## مقدمه

هر ساله تعداد زيادي كتاب كودك به چاپ مي رسد كه بيشتر آنها مصور هستند . طرفداران هنرهاي سنتي و كلاسيك نسبت به اين تصاوير غير قرادادي كه اخيراً در بسياري از اين كتابها به چشم مي خورد ، عكس العمل منفي نشان مي دهند . برخي از كارشناسان معتقدند كه اين تصاوير بيش از حد به واقعيت مي پردازند و بعضي ديگر آنها را تخيلي انتزاعي و تزئيني مي دانند البته همه به اين توافق رسيده اند كه ارزيابي هنر در اين نوع كتابها بايد با توجه به خواستهاي متنوع و بسيار زياد كودكان دنياي امروز باشد . احتمالاً تصاويري كه به سبك هنرهاي معاصر و با توجه به هنرهاي سنتي ترسيم مي شوند مورد قبول و تحسين كودكان امروزي قرار مي گيرند ولي با اين وجود و براي آنكه كودك زيبائي هنر سنتي و معاصر را درك كند نيازمند كتابهاي جالبي در هر دو زمينه است. كار تصوير گري يك كتاب را چه خود نويسنده آن كتاب و چه تصويرگر به هرحال بايد بر اساس اصول تصوير سازي باشد تا هم به بيان جنبه هاي ارزشمند داستان كمك نمايد و هم موضوع آن را گسترده سازد . اين مسئله را بايد تقريباً در مورد همة كتابها به كار برد . كتابهاي تصويري انواع متفاوتي دارند و برخي از آنها هيچگونه موضوع يا نوشته اي ندارند .

تصاوير يك كتاب نه تنها بايد زيبائي بخش باشند بلكه بايد يك طراحي خوب با معنا و پرمحتوا را منعكس سازند . البته وظيفه اي بيش از اين بر عهده دارند هنرمند تصوير گر چه براي كتاب مصور نقاشي كند و چه براي كتابهائي كه تصاوير زيادي ندارند به هر حال بايد براي درك و فهم بيشتر متن و موضوع داستان كودك را ياري دهد . هنرمند بايد صحنه ها و ايده هاي ارزشمند داستان را باز پروري كند ، هر تصوير بايد معادل يكي از عقايد و ايده هاي بيان شده در متن باشد .

تصاوير خواننده را تشويق مي كند تا قوة تخيل خويش را به كار بندد و جلوتر از متن داستان پيش رود چنين مهارتي يكي از اهداف اساسي و قابل تحسين يك هنرمند است زيرا بيدار كردن و تقويت نمودن قوة تخيل يكي از عوامل اصلي گسترش ذهن كودك و به اين منظور هنرمند بايد تصاويري با جزئيات كافي ارائه نمايد تا در مفهوم شدن موضوع داستان و بازگو نمودن آن به عنوان راهنما عمل نمايند .

**(در اين سوي مصور كردن)**

در گذشته « مصوركردن » محدوده مشخصي نداشت و تخصص در آن داراي ويژگي معيني نبود . هر كس كه دستي به قلم مو داشت مي توانست مصور يا تصويرگر باشد و هر هنرمندي مدعي تصويرگري هم بود . طراحان ، حكاكان ، نقاشان و مجسمه سازان و غيره ، كارشان را با مصور كردن و تصويرگري مي دانستند ، زيرا كه مي پنداشتند اثرشان را بر اساس تصوير كردن موضوعي به وجودمي آورند . در گذشته هنر گرافيك هم مفهوم و محدوده خاصي نداشت . در غرب ، طراحي ، نقش اندازي ، حكاكي و رسامي فعاليتهائي بود كه گرافيك ناميده مي شد و در واقع گرافيك بخش كوچكي از هنر نقاشي بود . اما بعد ها رشد و وسعت تخصص ها در اين تقسيم بنديها تغييرات فوق العاده اي را به وجود آورد و هر كدام از آن فعاليتهاي جنبي كوچك گذشته ، خود مركز و محور كوشش هاي خلاقه هنرمندان زيادي شدند . مثلاً هنر مصور كردن و تصويرگري براي خود شعبه تخصصي مهمي شد و در خود ،تقسيمات و تخصص هاي متعددي را به وجود آورد . در اكثر زبانهاي غربي مصور كردن راillustration مي گويند كه به زبان ما مي توان آن را تصويرگري و تصويرسازي و هنرمندش را تصويرگر ناميد . كار تصويرگري عبارت از تجسم تصويري يك موضوع براي نمايش بهتر فضاي مطلب و در نهايت درك بهتر آن است . تصوير سازي ومصوركردن تنها با ابزار طراحي و نقاشي انجام نمي گيرد ؛بلكه امروزه طراحان و تصويرگران از هر طريقي و از امكانات بياني هر هنر تصوير ديگري براي به تصوير كشاندن موضوع ،استفاده مي كنند از عكاسي ، از مجسمه سازي ، نقاشي ، خوشنويسي ، حكاكي ،سينما و … بهره جوئي مي كنند زيرا در واقع بيان تصويري در تمام هنرها يكسان عمل مي كند ؛ هر چند كهوسائل و شيوه هاي اجرائي آنها باهم متفاوت است و اين تفاوت هاي اجرائي فقط گاهي مرزهاي ظريفي را در بيان آنها ايجاد مي كند . در واقع مي توان گفت كه اين جزئيات بياني بسان گويش هاي مختلف يك زبان عمل مي كنند و در اساس چيزي با ديگري متفاوت نيست .

استفاده از اين همه امكانات گوناگون در تصوير گري نتيجتاً سبب تعدد و گوناگوني تخصص ها و روش ها در اين هنر شده است و روز به روز نيز بر اين انشعابات افزوده مي شود و منجر به پيدايش ديدگاه ها و شگردهاي بديع و نوظهور مي گردد . بنابراين وقتي به خيل تصويرگران نگاه شود با وجود تنوع بي حد تخصص ها و شيوه ها ، اما همه آنها را مي توان در حيطه تصويرگري و تصوير سازي ديد .جمعي از آنها به كار تصوير سازي براي « كتاب » مشغولند و كتابها از كتب مربوط به كودكان شروع شده و به كتب همه سنين خوانندگان و همه تنوع موضوعات مورد نظر آنها چون : انواع ادبيات ، هنر ، علوم ، فنون ، و … ختم مي شود كه باز مي توان همه اين گوناگوني كتب رابه دو شيوه تصويرگري يعني تزئين كتب و يا تصوير سازي براي متن آنها تقسيم كرد و هر يك از اين دو شعبه محتاج تخصص و تجربه اي ويژه است .

شايد به ظاهر تصويرسازي براي متن از اهميت بيشتري برخوردار باشد . اما مي دانيم در هنر تصوير سازي سنتي ما ، حاشيه سازي يعني تذهيب و تشعير سازي ،جائي بسيار والا و ارجمند دارد و هنرمندان برجسته اي به اين كار و ساير فنون ديگر مربوط به آن پرداخته و آثاري نفيس و بي بديل به جاي نهاده اند .

با كمي دقت به موضوعات متنوع تصويرگري كه شايد شامل ده ها رشته و مطلب جداگانه باشد مي توان تا حدودي به اهميت و لزوم تنوع شيوه بيان آنها پي برد كه مثلاً تفاوت در زمينه تصوير سازي براي متن يك كتاب پزشكي با تصوير هاي فني يك كتاب مكانيك و تصاوير يك كتاب تاريخي ، يك كتاب جغرافيا ، يك كتاب سياحتنامه، يك اثر ادبي ، يك كتاب آموزشي دوران تعليمات مدرسه اي ، يك جزوه ورزشي . عكاسي ، مد و لباس ، يك قصه زيبا و لطيف كودكانه ، مجموعه اشعار ووو… چه اندازه بايد تفاوت داشته باشد .

در زمينه مصور كردن همين مطالب گوناگون وقتي به حيطه روزنامه نگاري وارد مي شويم ، باز فضا و روال كار فرق مي كند و همان تفاوتي را پيدا مي كند كه در شيوه و سطح توقع نوشتن مطالب براي كتاب و براي مقالات نشريات معمول وجود دارد.

به همان ترتيبي كه نويسنده اي مقاله يا مطلبي را با سطح و توقع خاصي براي روزنامه يا مجله تهيه مي كند ، تصويرگري اين مطالب هم همان شأن و لحن موضوع را به خود مي گيرد ؛ وقتي ملاحظه كنيمكه حتي شيوه و روال هر نشريه نيز به جاي خود در كيفيت نگارش آن مطالب تاثير مي گذارد ،‌طبيعي است كه بر شيوه طراحي و تصوير سازي آن هم تاثير بگذارد . به اين معني كه مصور كردن يك نشريه هفتگي تفاوت دارد و اگر هر كدام از اين نشريات مدعي راه و رسم خاصي نيز باشند ، باز اين تفاوت ،‌ دگرگوني هاي ديگري را هم به خود مي گيرد و اگر دوباره گوناگوني هاي موضوعي نشريات را در نظر آوريم مي بينيم كه مثلاً يك نشريه روزانه سياسي ، يك نشريه هفتگي ورزشي ، يك مجله ادبي ، يك گاهنامه هنري ، ‌يك جزوه حقوقي يا اقتصادي اجتماعي ،‌يا مطلبي مخصوص جوانان ، كودكان ، دانشگاهيان ووو… آن چنان لحن ها و شخصيت هاي متفاوتي دارند كه همانطور كه نمي توان آنها را با يك قلم و شيوه نبايد با يك قلم هم مصور نمود .